هو السّمیع البصیر

اللّهمّ یا الهی قدّس قلوب احبّتک عن الاشتغال بغیرک و طهّر نفوس اصفیائک عن الشّئون الّتی تخالف رضاک ایربّ نوّر الأبصار بمشاهدة آیاتک الکبری و حوّل الأفکار الی ما فیه اعلآء امرک و سطوع نورک یا موجد الأشیآء ایربّ غفلت القلوب نبّهها بندائک من غیب الامکان و ذهلت العقول عرّفها معانی آیاتک بالبرهان و عمیت الأبصار و البصائر فاکشف الغشآء بالحجّة القاطعة یا ربّی الرّحمن و صمّت الآذان فاسمعها من نغمات عندلیب التّبیان ایربّ هم ضعفآء و جهلآء و حمقآء ارئف بهم و لا تؤاخذهم بما کسبوا انّک انت العفوّ الغفور ع ع

هواللّه

ای فرع رفیع سدرهٔ مبارکه جناب آقا سیّد میرزا چون در این‌جا تشریف داشتند یادگار آن حضرت بودند نهایت مسرّت از ملاقاتشان حاصل و تأییدشان را از حقّ آمل بوده و هستیم و از حقّ میطلبیم که بعنایات غیبیّه موفّق گردند و همیشه از جام عهد الست سرمست باشند ذکر آن حضرت دائماً در این انجمن مذکور و یادتان مونس قلب مهجور

از غفلت و استکبار اشرار و عظمت و تعنّت فجّار مغموم و محزون مشوید و دلگیر و دلخون نگردید چه که این دأب دیرین و آداب قدیم غافلین است یا حسرةً علی العباد ما یأتیهم من رسول الّا کانوا به یستهزئون بلکه معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمة اللّه و نشر آثار اللّه است اگر تعرّض مستکبرین و تهتّک مرجفین نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلا و عربدهٔ بلها نبود کی صیت ظهور نقطهٔ اولی روحی له الفدآء و آوازهٔ سطوع شمس بهاء روحی له الفدآء بشرق و غرب میرسید و جهان را از کران تا بکران بجنبش و حرکت میآورد و کی خطّهٔ ایران را مرکز نور تابان میفرمود و اقلیم روم مرکز جمال قیّوم میگشت چگونه آوازهٔ ظهور بجنوب منتشر میشد و بچه وسیله ندای حقّ باقصی بلاد شمال میرسید کشور امریک و افریک تاریک چگونه ندای الهی میشنید و صیاح دیک عرشی استماع مینمود طوطیان هند چگونه شکّرخا میشدند و نغمات بلبلان عراق کجا بآفاق میرسید و شرق و غرب چگونه مهتزّ میشد بقعهٔ مبارکه چگونه اریکهٔ جمال محمود میشد طور سینا چگونه لمعهٔ نورا میدید شعلهٔ ظهور چگونه زینت طور میگشت ارض مقدّس چگونه موطأ جمال منزّه میشد وادی طوی چگونه بقعهٔ بهرا میگشت و محلّ خلع نعلین موسی میشد نفحات قدس چگونه در وادی مقدّس منتشر میشد شمیم نسیم حدائق ابهی مشامّ اهل جزیرهٔ خضرا را چگونه معطّر مینمود وعده‌های انبیا و بشارات اصفیا و نویدهای مظاهر احدیّه باین بقعهٔ مبارکه چگونه تحقّق مینمود شجرهٔ انیسا چگونه غرس میشد و علم میثاق چگونه بلند میگشت و جام عهد الست چگونه سرمست مینمود این فیوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش بحسب ظاهر استکبار جهلا و تعرّض بلها و تعنّت ثقلا و تشدّد ظلما بود والّا صیت ظهور حضرت اعلی هنوز باقرب بقاع نرسیده بود پس نباید از جهل جهلا و تعدّی زنما و غفلت فقها و تکفیر بلها محزون شد ذلک دأبهم فی القرون الأولی اگر میدانستند نمینمودند ولی نادانند فما لهؤلآء لا یکادون یفقهون حدیثا

پس شما که فرع سدرهٔ مقدّسهٔ الهیّه هستید و افنان دوحهٔ رحمانیّه باید بعون و عنایت جمال قدم روحی لمرقده المقدّس فدا چنان بنار موقدهٔ ربّانیّه برافروزید و برافروزیم که نار محبّة اللّه در قطب آفاق روشن کنیم و تأسّی بدوحهٔ مقدّسهٔ حضرت اعلی روحی له الفدآء نمائیم سینه را هدف تیر بلا کنیم و دل را آماج سهم قضا چون شمع برافروزیم و چون پروانه بال و پر بسوزیم چون مرغ چمن بنالیم و چون عندلیب زار بزاریم چون ابر بگرییم و چون برق از آوارگی در غرب و شرق بخندیم و شب و روز در فکر نشر نفحات اللّه باشیم نه تتبّع در شبهات و ترویج و تأویل و تشهیر متشابهات فکر خویش را بکنار بگذاریم و از کم و

بیش چشم پوشیم نه اظهار تألّم نمائیم نه بهتان تظلّم بکلّی خود را فراموش نمائیم و از خمر عنایت و فناء در جمال ابهی پر جوش و خروش شویم

ای افنان سدرهٔ مبارکه باید کلّ بکوشیم تا شاخ بارور گردیم و میوهٔ خوشگوار تر ببار آریم تا فرع تابع اصل گردد و جزو تأسی به کلّ نماید از فضل اسم اعظم و عنایت نقطهٔ اولی روحی لهم الفدآء امیدوارم که سبب اعلاء کلمة اللّه در جمیع آفاق گردیم و خدمت باصل امر نمائیم و شراع غیرت حقیقی الهی را منتشر کنیم و نسیم چمن عنایت را بوزیدن آریم و شمیم حدیقهٔ رحمانیّت را بمشامها رسانیم و آفاق را جنّت ابهی کنیم و کیهان را فردوس اعلی هرچند کلّ عباد علی‌الخصوص مشتعلان بنار رشاد مکلّف باین عبودیّت ربّ عباد هستند ولی تکلیف ما اعظم از دیگران است از او توفیق میطلبیم و تأیید میجوئیم صدهزار شکر جمال مبارک را که جنود ملکوت ابهایش در هجوم است و عون و صونش متتابع چون طلوع نجوم در جمیع نقاط ارض این عبد فرید وحید را نصرت فرمود و در جمیع اوقات آثار عنایت ظاهر فرمود اهل شبهات را در اشدّ اغما افکند و متمسّکین بمتشابهات را رسوای خاصّ و عامّ فرمود نوهوسان را محلّ ملام انام فرمود و خودپرستان را شهرهٔ آفاق کرد احبّای متزلزلین را عبرةً للنّاظرین فرمود و ارکان مذبذبین را خودپرست و خودبین فرمود و این مرغ بال و پر شکسته را مقابل جمیع من علی الأرض بقدرت تأییدش قائم فرمود صفوف عناد را شکست داد و لشکر نجات را نصرت بخشید و روح حیات در قلوب ثابتین بر عهد و میثاق دمید

حضرات افنان سدرهٔ مقدّسهٔ مبارکه را یک یک تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و البهآء علیک و علی کلّ افنان ثبت علی المیثاق ع ع

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۸ مارس ۲۰۲۵، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر